

حجت الاسلام رفیعی:

سه راه عاقبت به خیری در نامه امام صادق(ع) / جوانان ، دستتان در دست یک عالم باشد



جوانی آمد پیش امام صادق(ع) گفت: من منکر خدا هستم، امام نگفت: وای تو کافر هستی نه، خب سوال است، امام به او فرمودند: چرا؟ خب دلیلت چیست؟ گفت: برای اینکه من خدا را نمی بینم.

در ادامه گزیده ای از سخنان حجت الاسلام دکتر رفیعی را بخوانید:

امام صادق(ع) به یکی از دوستانشان یک نامه ای نوشتند، این نامه از مکتوبات امام صادق(ع) است، فرقی با حدیث این است که حدیث را دیگران نقل می کنند اما نامه را خود امام نوشته اند، ایشان در آن نامه به دوستانشان می نویسند اگر می خواهی عاقبت بخیر بشوی سه کار را باید انجام بدهید.

یک: نعمت های خدا را در معصیت صرف نکنید. مثلاً به شما گوش و چشم داده در راه نگاه به نامحرم یا شنیدن غیبت صرف نکنید. حرفش آسان است اما عملش سخت است. امام صادق(ع) می فرماید: سه مرحله نامه اعمال شما را پیش ما می آورند. جوانی آمد پیش امام صادق(ع) امام می دانست که او امروز با مادرش دعوا کرده است تا آمد نشست پای درس امام، امام به او گفت: بلند شو برو

اول دل مادرت را به دست بیاور بعد بیا در کلاس بنشین. شخصی دیگری بود غلامش پشت سرش بود و صدایش کرد و نشنید و به او گفت: حرام زاده کجا هستی، امام ایستاد و گفت: من فکر می کردم تو ایمان داری؟ چرا فحش دادی به او، بعد آن شخص گفت: این مادرش مسلمان نیست و از جای دیگر است، امام گفت: هر قومی ازدواج دارد، مگر همه ازدواج ها اینگونه است، هر قومی برای خودش ازدواج دارد و هرکس پدر مادر دارد، راوی می گوید: امام رابطه اش را با او قطع کرد.

ببینید این است که نعمت ها را باید در مسیرش خرج کنید. یک آیه در قرآن است که بسیار جالب است می گوید شیطان دور مردم طواف می کند که یک روزنه پیدا کند تا نفوذ کند. حدیث داریم که هرکسی که گوش بدهد از سخنرانی که دارد از خدا می گوید این گوش عبادت گوش است، و این شخص عبادت خدا کرده است، نگاه کردن درست عبادت چشم است، زبان هم همین طور است، مراقب باشیم.

دو: به حلم خداوند مغرور نشوید. خداوند ستار و حلیم است ، می پوشاند اما شما به این کار خداوند مغرور نشوید.

سه: اگر می خواهید عاقبت بخیر بشوید به کسی که به ما منصوب است و ارادت دارد احترام بگذارید. اگر مداح است چه می دانم چایی بریز است یا منبری است یا سادات است و شاعر است به او احترام کنید.

جوانان ، دستتان در دست یک عالم باشد

این روایت تمام شد. حالا می خواهیم از آداب معاشرت امام صادق(ع) چند نمونه بگوییم. ما در جامعه اجتماعی زندگی می کنیم که هرکس یک آداب و اصولی دارد.

یکی از آداب معاشرت درباره پدر و مادر است، شخصی آمد پیش پیامبر(ص) گفت: می شود به ما بگویید پدر مادر شانسان چیست؟ پیامبر(ص) فرمودند: پدر و مادر بهشت تو هستند و پدر مادر جهنم تو هستند، هم می توانند بهشت رفتن تو را فراهم کنند هم می توانند جهنم رفتن تو را فراهم کنند.

مطلب دوم درباره دوست است، عزیزان یکی از کسانی که افراد لعنت می کنند دوست ناباب است، قرآن می گوید: کسانی که می روند جهنم می گویند: کاش با فلانی دوست نمی شدم.

شخصی آمد پیش امام صادق(ع) گفت: دوست به دوست چه حقی دارد، امام فرمودند: سی حق دارد. بعد گفت: آقا می شود بفرمایید ، حضرت برایش شمرد. یکی اش این است که آنچه که برای خود می پسندی برای او هم بپسند. از حضرت عیسی(ع) پرسیدند: با

چه کسی رفیق بشویم، حضرت فرمودند با کسی که سه ویژگی داشته باشد، یک: وقتی که نگاه می کنی یاد خداوند بی افتی. دو: وقتی حرف می زنی علمتان زیاد شود. سه: عملش را که می بینی یاد آخرت بی افتی.

یک نمونه مهم در زندگی امام صادق(ع) در آداب معاشرت این است که امام صادق(ع) فرمودند: دوست دارم جوان وقتی که از خواب بلند می شود یا دنبال علم باشد، یا عالم باشد، یا علم دوست باشد و یا شنونده باشد. این را هم بدانید جوانان نباید بترسند از شبهات، امروز دشمن دارد قوی کار می کند در این موارد. واقعا گاهی وقت ها تاسف می خورم که بعضی از جوانان تمام وقت خود را دارند در این سایت و فضاها به هدر می روند اینها هم جنبه خوب دارد هم جنبه بد. امام صادق(ع) بسیار توجه داشتند که جوان وقتش هدر نرود. دشمن دارد در دو بخش کار می کند، یک بخش با فیلم های مبتذل یک بخش هم با شبهه افکنی.

من به جوانان می گویم دستتان در دست یک عالم باشد، به هر طریق که می توانید، اگر شبهه ای پیش آمد یا مشکلی از آنها بپرسید، جوانی آمد پیش امام صادق(ع) گفت: من منکر خدا هستم، امام نگفت: وای تو کافر هستی نه، خب سوال است، امام به او فرمودند: چرا؟ خب دلیل چیست؟ گفت: برای اینکه من خدا را نمی بینم، آقا فرمود: یک سوال مرا جواب بده این عالم را که قبول داری، گفت: بله قبول دارم، بعد گفت: خب اینها که از اول نبودند اینها را کسی درست کرده است یا خودش درست شده است، شخص گفت: نه خودش درست شده است هزاران سال پیش، بعد امام فرمودند: خب تو که هزار سال پیش را ندیده ای پس چرا می گویی خودش درست شده است، بعد امام به او توضیح داده که قرار نیست همه چیز را با چشم ببینیم و به شخص توضیح داد که آن جوان شهادتین خود را گفت. می خواهم بگویم: جوانان قدر جوانیتان را بدانید.

امام صادق(ع) در آخرین لحظه عمر خود همه را جمع کرد و گفت: شفاعت ما به کسی که نماز را سبک می شمرد نمی رسد، امام در طول زندگی اش بسیار از نماز گفته است اما چرا در آخرین لحظه عمر خود دوباره از نماز گفت: برای اینکه اهمیت نماز را برای ما بگوید.